



فهرست مطالب

۲	 فرع پنجم: تصرفات در عالم
۲	 ۱- ارتباط با ملائکه و اجنه
۲	 ۲- تسخیر انسان‌ها
۳	 ۳- کیمیاگری
۳	 حکم تصرفات
۳	 پاسخ استدلال
۴	 جمع‌بندی
۴	 علل حرمت تصرفات
۵	 ۱- اضرار
۵	 ۲- ایذاء
۵	 ۳- تصرف در حوزه سلطنت دیگران
۵	 اضرار به غیر انسان
۶	 دلیل عقلی
۶	 ارتباط با ملائکه
۷	 تصرف در حیوانات
۷	 خلاصه بحث
۹	 ۴- اضرار به غیر
۹	 ۵- اضرار به نفس



بسم الله الرحمن الرحيم

فرع پنجم: تصرفات در عالم

فرع پنجم در ذیل مباحث سحر در ارتباط با انواع تصرفات در عالم با روش‌های غیرعادی و حکم آن‌ها است. تصرفات اقسامی دارد که در فرمایشات مرحوم علامه مجلسی و مرحوم شیخ در مکاسب و بزرگان دیگر آمده است.

۱- ارتباط با ملائکه و اجنه

یک نوع از این تصرفاتی که می‌توان در عالم خارج انجام داد ولی با روش‌های غیرمتعارف و غیرطبیعی و غیرمعمول، ارتباط با ملائکه و اجنه و احياناً تسخیر آن‌هاست. معمولاً گفته می‌شود با تسخیر ملائکه و یا اجنه و یا ارتباط با آن‌ها که با روش‌های ویژه‌ای انجام می‌شود اطلاعاتی را به دست می‌آورند یا احياناً تصرفی در دیگری می‌کنند. این تسخیرات که خود دامنه‌ای دارد و صرف یک ارتباط و فراگیری است تا اینکه آن‌ها را تسخیر کند و به نحوی تحت اراده و انقیاد قرار دهد برای کسب معلومات و احياناً تصرفی به واسطه آن‌ها در جایی از عالم.

۲- تسخیر انسان‌ها

نوع دیگر از مقوله تسخیرات، تسخیر انسان‌ها است. از این قبیل هیپنوتیزمی است که الان کمی جنبه علمی پیدا کرده است که با شیوه‌هایی نفوذ می‌کنند و در حالت نفوذ اقراری می‌گیرند و معلوماتی را از ضمیر ناخودآگاه بیرون می‌آورند. البته هیپنوتیزم در روانکاوی امروز به صورت روش درمانی درآمده است و با آن عقده‌های درونی شخص را تخلیه و راهی به سمت لایه‌های درونی پیدا می‌کنند که در اصطلاحات روانشناسی و روانکاوی به آن ضمیر ناخودآگاه می‌گویند. به هر حال با روش ویژه و خاصی هیپنوتیزم می‌کنند برای تصرف یا معالجه یا ضرر و امثال این‌ها. این هم یک نوع به کارگیری روش‌های ویژه و غیرمتعارف و غیرمعمول است. این دو نوع از سنخ ارتباط و تسخیر است منتهی یک وقت تسخیر و ارتباط با ملائکه و اجنه است و یک وقت تسخیر یک شخص برای اهدافی که متصور است.



۳- کیمیاگری

با روش‌های ویژه‌ای تبدیلی در مواد عالم ایجاد می‌کردند مثلاً مس را طلا می‌کردند و یا طلا را مس. تصرفاتی از طریق علم کیمیا انجام می‌گرفت که یک نوع شعبده است. به صورت خلاف واقع و بر اثر سرعت عمل کارهایی انجام می‌دهد که درواقع چیزی خلاف واقع نیست ولی چون شخص نمی‌فهمد خلاف تلقی می‌کند. شعبده به‌طور مستقل در مکاسب عنوان دارد؛ اما موارد دیگر مثل تسخیرات و تمرین مغناطیسی عنوانی در مکاسب محرمه ندارد. البته ممکن است شیوه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که ذیل بحث سحر اشاره‌ای به آن‌ها می‌کنیم.

حکم تصرفات

یک سؤال کلی با ملاحظه بحث‌هایی که انجام دادیم وجود دارد که حکم این‌ها چیست؟ جمعی از بزرگان مثلاً علامه مجلسی یا بزرگان دیگری که در مکاسب ارجاع داده شده است مثل شهیدین و امثال این‌ها معتقد هستند که خیلی از این‌ها حرام است و حرمت را هم مبتنی کرده‌اند بر اینکه این‌ها از مصادیق سحر است. گاهی تعبیر شده است که ملحق به سحر می‌شود و علتش هم این است که این‌ها به سحر انجام کارهای خارق‌العاده و غیرطبیعی با روش‌های مخفیانه و اسرارآمیز گفته‌اند. چون سحر را این‌طور معنا کرده‌اند لذا این امور هم که کارهای خارق‌العاده و با روش‌های پیچیده و پنهان است مصداق سحر می‌شود. پس این استدلال مبتنی بر تعریف از سحر است.

پاسخ استدلال

پاسخ این استدلال بحثی است که سابق عرض کردیم. کسانی که گفته‌اند این‌ها حرام هستند از این باب است که سحر هستند و دلیلشان هم این است که تعریفی از سحر ارائه داده‌اند که آن تعریف بر این‌ها منطبق است. کارهای غیرمتعارف با استفاده از روش‌های غیرمتعارف و غیرمعمول. جواب این استدلال همانی است که قبلاً عرض کردیم. گفتیم که سحر کاربرد روش‌های غیرمتعارف است برای انجام کارهای غیرمتعارف، اما روش‌هایی که مبتنی بر اراءة الباطل حقاً است. مبتنی و متقوم به تنبیه و خدعه است. در آن فریب دادن و تصرف در خیالات دیگری است بدون اینکه واقعیتی وجود داشته باشد. لاقلاً این تعریف قدر متیقن است و ماوراء این واضح نیست که مفهوم سحر را بگیرد؛ یعنی سحر آنجایی است که خیال شخص را برمی‌انگیزد و او را مریض می‌کند یا طوری عالم را می‌بیند درحالی‌که پیدایش این مریضی یا دیدن آن امری مبتنی بر خیالی است که در او ایجاد کرده است؛ یعنی چیز غیرواقعی را واقع نشان داده است درحالی‌که درواقع این‌طور نیست و البته گفتیم این



خیال منشأ آثاری واقعی می‌شود. ولی در سحر باید نوعی از خدعه و تنویه و ارائه باطل به حق وجود داشته باشد. اگر این وجود دارد می‌شود بگوییم این سحر است یا مطمئناً می‌گفتیم مفهوم سحر این است یا اینکه می‌گفتیم این قدر متیقن است و مابقی مشکوک است و شبهه مفهومی می‌شود و اجمال پیدا می‌کند. پس در سحر آنچه می‌توانستیم از کتب لغت استفاده کنیم و قدر متیقن و مسلم است که در سحر باید یک نوع خدعه و ارائه الباطل حقا وجود داشته باشد و اگر جایی چنین قصه‌ای نیست مفهوم سحر بر آن صادق نیست. از این جهت است که به نظر می‌آید مطلب درست این باشد که در سحر یک نوع تنویه و خدعه وجود دارد و جایی که تنویه و خدعه‌ای نیست و ارائه باطل به حق وجود ندارد مشمول عنوان سحر نیست. این ملاک ما بود که سحر متقوم به این است البته در مواردی که بر شمرده شد یک راه برای حرمت این است که عنوان سحر صادق باشد. این عنوان که منتفی شد دیگر ذاتاً این‌ها حرام نیست بلکه با یک عناوین دیگر و ثانوی ممکن است در یک شرایطی حرام باشد.

جمع‌بندی

معلوم شد عنوان سحر در این موارد صدق نمی‌کند غیر از عنوان شعبده که چون عنوان جدا دارد بحث جدایی خواهیم داشت. بقیه تسخیرات و احضار اجنه و احضار ملائکه و ارتباط با اجنه و ملائکه و تسخیر آن‌ها یا خواب مغناطیسی و هیپنوتیزم کردن و احضار ارواح است که ارواح گذشتگان را ارتباط برقرار می‌شود و چیزهایی از او می‌گیرد که از بعضی بزرگان هم نقل شده است ارتباطی به سحر ندارد. اخیراً جزوهای از ورثه مرحوم قاضی طباطبائی پیدا کردم که در آنجا مواردی که ایشان ارتباط با ارواح داشته و سؤالاتی از آن‌ها کرده است و جوابی داده‌اند را در جزوه‌ای نوشته است. ارتباط و احضار ارواح و ملائکه و اجنه یا هیپنوتیزم و خواب کردن افرادی که در حال حیات هستند و علم حروف و اعدادی و طلسمات که با آن تصرفاتی را در عالم انجام می‌دهد یا چیزهایی را کشف می‌کند به دلیل اینکه در ذاتشان ارائه الباطل حقا نیست بلکه خیلی وقت‌ها کشف یک واقعیت و تصرف واقعی است مشمول سحر نیست.

علل حرمت تصرفات

ممکن است این عناوین با اسباب دیگری محرم شوند. علل دیگری که می‌تواند این عناوین را تحریم کند عبارت‌اند از:



۱- اضرار

اگر با به‌کارگیری این روش‌ها به دیگری ضرر بزند ولی اضرار اختصاص به روش‌های غیرمتعارف ندارد و با روش‌های متعارف هم می‌تواند ضرری به دیگران زد. این‌طور نیست که صرف کار خارق‌العاده انجام دادن حرام باشد بلکه از حیث تضرر دیگری حرام می‌شود و ذات این‌ها حرمت ذاتی به عنوان سحر ندارند و جزء عناوین ثانوی می‌شود.

۲- ایذاء

اینکه کسی را آزار بدهد. اگر این تسخیر موجب آزار شخص یا انسان زنده شود ممکن است بگوییم این حرام است اما در مورد غیر زنده بعداً نکته‌ای عرض می‌کنم.

۳- تصرف در حوزه سلطنت دیگران

چون داریم الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم آدم‌ها بر مال و جانشان سیطره و سلطه دارند. لا یحل مال المرء الا بطبیة نفسه لذا مال دیگری را جز به اجازه نمی‌شود تصرف کرد. به طریق اولی نمی‌شود در جان دیگری و در حوزه شخصیت و روح او بدون اجازه او تصرف کرد. تصرفی که بخواهد تسخیر کند و در حیطه اراده خودش قرار دهد و خواب و بیدارش کند. این‌ها همه تصرفاتی است که علی‌القاعده باید با إذن و رضایت طرف باشد. طرفی نشسته و آدمی او را به خواب ببرد و بعد هم از او اقرار بگیرد که این تسلط در او است و سیطره‌ای است که نیاز به إذن دارد و جایز نیست حتی اگر ضرر نزند و ایذاء هم نباشد. گاهی ممکن است همراه ایذاء و اضرار باشد. گاهی این‌طور بود که بچه‌ها را که تسخیر می‌کردند برای اینکه چیزی کشف کنند و یک حالت جنونی در او پیدا می‌شد که در او می‌ماند و به‌هرحال ضرری به او می‌زد.

این اعمال غیرطبیعی غیر از سحر از اقسام تسخیرات و احضار ارواح و امثال این‌ها اگر مصداق اضرار یا ایذاء یا تصرف در نفس و جان دیگری باشد جایز نیست. البته اضرار و ایذاء چه رضایت باشد چه نباشد ولو تصرف در سلطنت طبعاً وقتی اجازه بدهد مانعی ندارد.

اضرار به غیر انسان

در همین عناوین یک فرع و سؤال دیگری وجود دارد که آیا ایذاء و اضرار به ملائکه یا اجنه یا ارواح اشکال دارد یا ندارد؟ قدر متیقن از ادله حرمت اضرار و ایذاء و تصرف در نفس دیگری و حوزه شخصیت دیگری آدمیان زنده هستند؛ اما آیا



آیه شامل مردگان یا اجنه و... هم می‌شود یا نه؟ اینجا اختلاف نظری وجود دارد. بعضی می‌گویند این ادله منصرف به انسان‌های زنده است و از غیر آن‌ها منصرف است. بعضی می‌گویند که این‌ها مصداق ظلم است و در ظلم فرقی نمی‌کند که جنی را بدون اراده تسخیر کند یا در ملائکه اگر متصور باشد یا در ارواح دیگرانی که از دنیا رفته‌اند تصرفی صورت دهد. این دو نظر است که وجود دارد و بعید نیست که این موارد مصداق ظلم باشد و لازم نیست ظلم نسبت به انسان زنده باشد بلکه نسبت به مرده یا اجنه هم مشمول این امر هست. اگر این را بگوییم همه موارد احضار و تسخیر و ارتباط و تصرف در دیگران در حوزه شخصیت و روح چه کودک چه بزرگسال چه مرده یا جن یا ملائکه اگر یکی از حالت‌های اضرار و ایذاء باشد و یا تصرف بدون رضایت هم باشد حرام است. البته هر جایی شک کند که موجب ایذاء و یا آزار و اذیت هست یا نیست مانعی ندارد.

دلیل عقلی

صرف ارتباط برقرار کردن تصرف در دیگری نیست. تسخیر تصرف است و نیاز به این دارد که مطمئن باشد که او به این امر راضی نیست ولی صرف برقرار کردن و احضار مانعی ندارد. حاصل سخن این است که احضار ارواح و خواب مغناطیسی و هیپنوتیزم و احضار اجنه و ملائکه ذاتاً سحر نیست و حرمت و جواز آن‌ها متوقف بر این است که مصداق اضرار و ایذاء دیگران بشود یا نه. اگر مصداق اضرار و ایذاء شد اشکال دارد و اگر مصداق این نشد مانعی ندارد. بعضی می‌گویند این عناوین شامل آن‌ها نمی‌شود که در این صورت ادله منصرف از این‌ها می‌شود ولی به نظر می‌آید از باب حکم عقل، ظلم است و نیاز به ادله لفظی ندارد که بگوییم منصرف است یا منصرف نیست. دلیل عقلی می‌گوید که آزار رساندن به دیگران ولو مرده یا جن باشد اشکال دارد مگر اینکه بداند جن کافری است؛ و الا علی القاعده اشکال دارد و اضرار به کافر باید بر طبق ضوابط شرعی باشد. پس حرمت به ایذاء و اضرار برمی‌گردد.

ارتباط با ملائکه

حال محل بحث است و من هم تردید دارم که آیا می‌شود بر ملائکه‌ای که از عالم مجردات و عالم غیب هستند و قدرتی فوق این عالم طبیعت دارند چیره شد. این جای تردید دارد گرچه عظمت روح انسان بالاتر از این‌ها است ولی در حد آدم‌های معمول و غیر ائمه جای تردید است. کمی مستبعد است ولی در اجنه واقع است و عمل می‌شود. یک ارتباط داریم و یک تصرف و تسخیر داریم. ارتباط با ملائکه قطعاً جایز و میسر است ولی اینکه از آن‌ها برای کار بدی کمک بگیرد یا بخواهد تسخیر کند محل تأمل وجود دارد. تسخیر جن ممکن است. اینکه در انسان تأثیر می‌گذارند وجود دارد ولی از این طرف معمولاً می‌گویند قابل تسخیر است. ارتباط معنوی و روحی می‌شود ولی ارتباط شعوری که می‌گوید لمس کند و ببیند و بفهمد مراتب بالاتری می‌خواهد و الا اصل ارتباط وجود دارد و می‌شود از آن‌ها کمک گرفت؛ اما اینکه این ارتباط را بفهمد و درک



کند یا آگاه به این ارتباط باشد محل بحث است. بحث ما در ارتباط ویژه است. بعضی این کار را می‌کنند و با ملائکه ارتباط ویژه برقرار می‌کنند و خبرهایی را می‌گیرند و احیاناً تصرفاتی می‌کنند. همین محل بحث است که آیا از غیر مجرای شرعی و ولایت الهی و با ریاضت میسر است یا نه؟ ارتباط مشکلی ندارد ولی تسخیر مشکل‌تر است. عالم خیلی پیچیده است و ممکن است از یک جهت مسانختی پیدا کند و همیشه هم خباثتی در کار نیست.

تصرف در حیوانات

قسم دیگر تصرف در حیوانات است. گاهی حیوانات را تسخیر می‌کنند و با واسطه حیوان چیزی می‌فهمد یا اقدامی انجام می‌دهد. تسخیر حیوانات هم از قسم تسخیر ملائکه و اجنه و ارواح و انسان‌های زنده است لکن کسی ممکن است بگوید اضرار و ایذاء در حیوانات مانعی ندارد و شاهدش هم این است که این‌ها کشته می‌شوند برای اینکه انسان از گوشتشان استفاده کند. این نوع دیگر هم ذاتاً از مقوله سحر نیست ولی باید عناوین ثانوی را ببینیم. در این تردید است چون شاید یک مطلق جامع و صحیح که بگوید که اضرار و ایذاء نسبت به حیوانات حرام است نداشته باشیم. بیشتر برمی‌گردد به اینکه ممکن است کسی اینجا حکم عقلی کند. بعضی می‌گویند حکم عقل وقتی می‌گوید ظلم قبیح است همین‌که موجودی ذی‌شعور شد اذیت ظلم است. بعید نیست که بگوییم ظلم است یعنی آنجایی که حیوانی و موجودی شعور دارد واقعاً ناراحت و اذیت می‌شود. صدق ظلم می‌کند و عقلاً قبیح است و نمی‌شود بگوییم این‌ها را می‌کشیم برای اینکه خورده شوند و به آن استناد کنیم. مثلاً در وحوش و عقارب یا موجودات اهلی دلیل داریم که می‌شود کشت و برای اکل انسان جایز است؛ اما جایی که ادله مخصصات نباشد شاید بگوییم ظلم آن را می‌گیرد؛ و اگر این‌طور باشد ایذاء و اضرار به آن‌ها و تسخیر ایذائی حرام است. نبات و گیاه شعور ندارد؛ بنابراین ما سه عنوان داشتیم اضرار و ایذاء و تصرف در نفس. عنوان سوم قطعاً در حیوانات نیست چون حیوانات برای انسان‌ها آفریده شده‌اند و می‌شود انواع تصرفات را در آن‌ها کرد اما اگر ایذاء و اضراری باشد که شرع جایز نداشته بعید نیست که قائل به حرمت باشد. حیوانات حواس و درک‌هایی دارند که خیلی فراتر از انسان است و از آن حواس و درک بهره می‌گیرند برای اینکه جرمی را کشف کنند یا واقعی را بفهمند.

خلاصه بحث

سه عنوان محرم داشتیم:

۱. اضرار

۲. ایذاء



۳. تصرف در نفس و جان دیگری.

مطلب دیگر رتبه این‌ها است:

۱. ملائکه؛

۲. اجنه؛

۳. ارواح مردگان؛

۴. زنده‌ها؛

۵. حیوانات.

این پنج رتبه است. این سه عنوان محرم در این پنج قسم را اگر بخواهیم تطبیق دهیم این‌طور است که این سه عنوان:

- در اجنه محل بحث است و بعید نیست بگوییم هر سه عنوان آنجا صدق می‌کند و ادله آن را می‌گیرد.
 - در سه قسم بعد می‌آید که آیا ایذاء یا اضرار یا تسخیر بدون إذن در ملائکه و اجنه و ارواح حرام است؟ این محل بحث است و بعید نیست که بگوییم همین است.
 - در انسان‌ها قطعاً جای این است که اضرار و ایذاء و تصرف بدون إذنشان حرام است نه ارتباط تصرف.
 - قسم پنجم که حیوانات باشد اضرار و ایذاء محل بحث است که بعید نیست بگوییم اشکال دارد مگر آنجایی که استثناء شده است. البته إذن آنجا متصور نیست و ادله قطعاً از آن منصرف است.
- اگر ارتباط نوعی تصرف باشد اعم است. تصرف را کنار می‌گذاریم. ارتباط برقرار کردن یک نوع تصرف است ولی این مانعی ندارد و نیاز به إذن کسی نیست. ولی اینکه بخواهد تسخیرش کند و تحت اراده او قرار گیرد این تصرفی است که باید با إذن او باشد. آنچه قدر متیقن است در انسان‌های زنده اضرار و ایذاء و تسخیر بدون إذن حرام است. در چهار گروه دیگر با تفاوت‌ها و اختلافاتی بود که توضیح دادیم. در تسخیر حیوانات به خاطر همین‌که جزء همین ما فی الارض و عالم طبیعت هستند می‌گوییم مانعی ندارد ولی اگر اضرار و ایذائی به آن‌ها باشد ممکن است بگوییم نوعی ظلم است. آقای خوئی می‌گوید می‌شود آن‌ها را کشت ولی ما می‌گوییم ظاهراً ظلم باشد و دلیل خاص داریم که مثلاً می‌گوید اقتلوا المودی قبل أن یودی، دلیل خاصی اگر نباشد شاید اشکال نداشته باشد. ایشان این شواهد را آورده‌اند برای اینکه به‌طور کلی بگویند این‌ها از ادله بیرون است و اینجا ظلم نیست و اضرار و ایذاء مانعی ندارد. پس مادامی که تصرف در خیال شخص و باطل را حق نشان دادن در ارتباط و اضرار و تسخیر نباشد سحر نیست اما از حیث سه عنوان ثانوی بعضی از موارد اضرار و ایذاء و تصرف اشکال دارد منتهی بعضی موارد قطعی و مورد اتفاق است.



۴- اضرار به غیر

عنوان چهارم محرمی که اینجا متصور است این است که تسخیر و احضار ضرر و اذیتی به مسخر نزند ولی به کار گرفته شود برای اینکه به دیگران ضرر بزند. این اضرار به غیر می‌شود نه اضرار به مسخر. این عنوان محرمی است که در هر یک از این پنج قسم باشد اشکال دارد. مثلاً حیوان یا ملائکه و جن یا انسانی را تسخیر کند برای اذیت ضرر دیگری. پس سه عنوان اضرار و ایداء و تصرف مربوط به مسخر بود یا چیزی که با او ارتباط غیرطبیعی برقرار می‌کرد. عنوان چهارم محرم این است که همه این‌ها انجام شود برای اینکه به خلق الله ضرر بزند که آن هم جایز نیست مگر آنجایی که اضرار به آن‌ها جایز است مثلاً در جنگ دفاعی که دفاع مشروع باشد. در یک دفاع مشروع از خواب مغناطیسی استفاده کند برای اینکه لشکر دشمن را به خواب ببرد که ظاهراً اشکالی ندارد. با یک روش پیچیده هیپنوتیزی سربازهای دشمن را به خواب مصنوعی ببرند و با این خواب به آن‌ها حمله ببرند و شکستشان بدهند. ادله دفاع مطلق است و ما این‌طور فکر می‌کنیم که در بحث جهاد و دفاع جای بحث دارد ولی به نظر می‌آید اشکال نداشته باشد. اگر دفاع هسته‌ای در جنگ مشروع باشد اشکال ندارد. عناوین ثانویه شرعی است و در طریق مشروع به کار می‌رود لذا مانعی ندارد. در قاموس اسلام جهاد ابتدائی وجود دارد و بحث آن در جهاد و دفاع است.

۵- اضرار به نفس

اضرار به خود مورد اختلاف است. آقای خوئی می‌گویند مطلق اضرار به نفس حرام نیست. اضرار معتابه یا نقص عضو اشکال دارد والا مطلق اضرار به نفس اشکال ندارد. اگر کسی سؤال کند که از نظر اسلام هدف وسیله را توجیه می‌کند یا نه می‌گوییم نه مطلقاً می‌گوییم جایز است و نه اینکه بگوییم جایز نیست. این یک بحث شعاری است که هدف وسیله را توجیه می‌کند یا نه. می‌گوییم گاهی توجیه می‌کند گاهی توجیه نمی‌کند. اگر وسیله مشروع باشد هیچ و اگر وسیله غیر مشروع باشد تابع قاعده اهم و مهم است. قاعده تراحم است و در تراحم گاهی این اهم است و گاهی آن. گاهی هدف مهم‌تر است و گاهی وسیله مهم‌تر. در مقام تشخیص هم فقهی با فقیه دیگر متفاوت است. یک فقیه می‌گوید که انقلاب کنید به هر قیمتی شده حتی کشت و کشتار شود برای اینکه به آنجا برسیم. یکی می‌گوید نمی‌شود. سابق گفتیم یا به خاطر این است که در عناوین مزاحم اهم و مهم اختلاف نظر دارند یا تشخیص کارشناسی‌شان متفاوت است. مرحوم امام می‌گوید اگر نظم جامعه به هم بریزد و آدم‌ها کشته بشوند چون اطمینان داریم که به نتیجه می‌رسیم جایز است. مرحوم آقای گلپایگانی این اطمینان را نداشته و می‌گوید جایز نیست. لذا می‌گوییم به عنوان اولی داشتن همه سلاح‌ها جایز بلکه واجب است.